

چشم دل باز کن که جان بینی
آنچه نادیدنی است آن بینی

اضافه استعاری چیست و چه تفاوتی با اضافه تشبیهی دارد؟

در ترکیب اضافه تشبیهی **مشبه** و **مشبه‌به** به صورت
مضاف و مضاف‌الیه به هم اضافه می‌شوند؛ حال آنکه در
ترکیب اضافه استعاری معمولاً **مشبه** به همراه یکی از
متعلقات **مشبه‌به** به هم اضافه می‌شوند و **ترکیب اضافه**
استعاری را می‌سازند.

خواب جهالت = **جهالت** مانند **خواب** است.
اضافه تشبیهی

سر غفلت = **غفلت** مانند **انسانی** سر دارد.
اضافه استعاری



مثل قصر پادشاه قصه ها
خشتی از الماس و خشتی از طلا

دانش ادبی:

آرایه های تکرار در واژه ی «خشت» و تشبیه خانه ی خدا
به قصر پادشاهان و تناسب معنایی بین واژه های «الماس و
طلا» وجود دارد.

پایه های برجش از عاج و بلور
بر سر تختی نشسته با غرور

دانش ادبی:

برج، عاج، بلور و تخت آرایه مراعات نظیر دارند.

ماه، برق کوچکی از تاج او
هر ستاره پولکی از تاج او

دانش ادبی:

ماه و ستاره آرایه تناسب دارند.

تاج و تاج در مصراع اول و دوم آرایه تکرار دارند.
«از تاج او» ردیف و کوچکی و پولکی قافیه اند.



پیش از اینها

درس اول

۱	پیش از اینها، فکر می کردم خدا مثل قصر پادشاهان پایه های برجش از عاج و بلور ماه، برق کوچکی از تاج او هر ستاره پولکی از تاج او
۵	خاندای دارد میان ابرها خشتی از الماس و خشتی از طلا بر سر تختی نشسته با غرور هر ستاره، پولکی از تاج او بل و طوفان، نعره توفنداش هیچ کس را در حضورش راه نیست خاندان در آمان، دور از زمین مهربان و ساده و زیبا نبود

رعد و برق شب، طنین خنده اش
سیل و طوفان، نعره توفنده اش

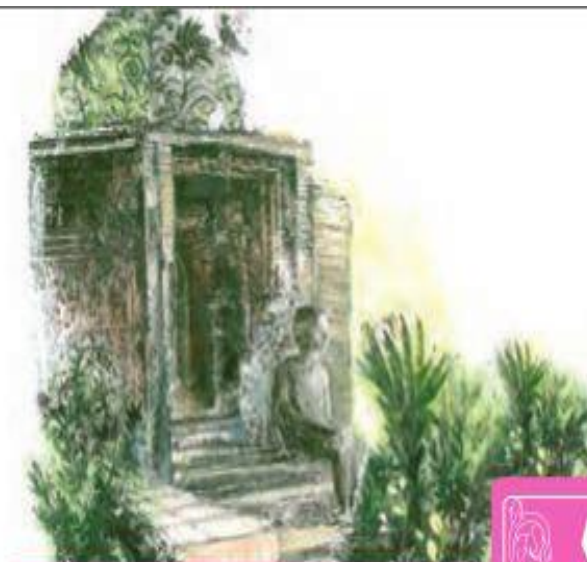
دانش ادبی: صنعت تشبیه، طنین خنده به رعد و برق و طوفان به نعره اش تشبیه شده است.

هیچ کس از جای او آگاه نیست
هیچ کس را در حضورش راه نیست

دانش ادبی: آرایه تکرار در «هیچ کس» وجود دارد.

آن خدا بی رحم بود و خشمگین
خانه اش در آسمان، دور از زمین

دانش ادبی: میان واژه های «بی رحم و خشمگین» تناسب معنایی وجود دارد.
آسمان و زمین آرایه تناسب دارند.



پیش از اینها

درس اول

۱	پیش از اینها، فکر می‌کردم خدا مثل قصر پادشاه قضا پایه‌ای برش از عاج و عاج و عاج ماه، برق کوبگی از عاج او رعد و برق شب، طنین خنده اش هیچ کس از جای او آگاه نیست آن خدا بی رحم بود و خشمگین بود، اما در میان ما نبود
۵	خادای دارد میان ابرها نخعی از آلاس و نخعی از طلا بر سر نخعی نشسته با فرود مر ستاره، پوکی از عاج او سیل و طوفان، نعره توفنده اش هیچ کس را در حضورش راه نیست خاندان در آسمان، دور از زمین مهربان و ساده و زیبا نبود

بود، اما در میان ما نبود
مهربان و ساده و زیبا نبود

دانش ادبی: میان واژه های «بود و نبود» آرایه
تضاد وجود دارد.
میان واژه های «مهربان، ساده و زیبا» شبکه
معنایی وجود دارد.



پیش از اینها

درس اول

۱	پیش از اینها، فکر می‌کردم خدا مثل قصر پادشاه، قضا پایه‌های برش از عاج و عاج و عاج ماه، برق کوبکی از عاج او ۵
۵	خادای دارد میان ابرها نخی از آلاس و نخی از طلا بر سر نخی نشسته با فرود هر ستاره، پوکی از تاج او یل و طوفان، نمره توخته‌اش هیچ کس را در حضورش راه نیست خاناش در آمان، دور از زمین مهربان و ساده و زیبا نبود

در دل او، دوستی جایی نداشت
مهربانی هیچ معنایی نداشت

نکته ادبی: بین واژه های «دل، دوستی و مهربانی» شبکه معنایی وجود دارد.

هر چه می پرسیدم از خود از خدا
از زمین از آسمان از ابرها

نکته ادبی: آرایه تکرار در حرف «از» و مراعات نظیر بین «زمین، آسمان و ابر» وجود دارد.

زود می گفتند: این کار خداست
پرس و جو از کار او کاری خطاست

نکته ادبی: آرایه تکرار در واژه ی «کار» وجود دارد.

در دل او، دوستی جایی نداشت
هر چه می پرسیدم از خود از خدا
زود می گفتند: «این، کار خداست
نیست من در نماز و در دعا
بیش از اینها، خاطر من دلگیر بود
تا که یک شب، دست در دست پدر
در میان راه، در یک روستا
زود پرسیدم: «پدر، اینجا کجاست»
گفت: «اینجا می شود یک خطه ماند
با وضوی دست و روی نماز کرد
کنش: «پس آن خدای سنگین
گفت: «آری خانه او بی ریاست
مهربان و ساده و بی گیر است
عادت او بست خشم و دشمنی
نماز فهمیدم: خدا من این خداست
دوستی از من به من نزدیک تر
می توانم بعد از این، با این خدا

نیت من در نماز و در دعا
ترس بود و وحشت از خشم خدا

نکات ادبی: در بین واژه های «نیت، نماز و دعا» مراعات نظیر
و بین واژه های «ترس، وحشت و خشم» شبکه معنایی وجود
دارد.

پیش از اینها خاطر دلیگیر بود
از خدا در ذهنم این تصویر بود

نکته ادبی: «دلیگیر شدن خاطر» آرایه تشخیص دارد.

تا که یک شب، دست در دست پدر
راه افتادم به قصد یک سفر

نکات ادبی: آرایه تکرار در واژه ی «دست» و بین واژه های
«راه و سفر» تناسب معنایی وجود دارد.

در دل او، دوستی جلی نداشت
هر چه می پرسیدم از خود از خدا
زود می گفتند: «این، کار خداست
نیت من در نماز و در دعا
پیش از اینها، خاطر دلیگیر بود
تا که یک شب، دست در دست پدر
در میان راه، در یک روستا
زود پرسیدم: «پدر، اینجا کجاست؟»
گفت: «اینجا می شود یک خطه ماند
با وضوی دست و روی نماز کرد
کنش: «پس آن خدای سنگین
گفت: «آری خانه او بی رباست
مهربان و ساده و بی کینه است
عادت او نیت خشم و دشمنی
نماز فهمیدم: خدایم این خداست
دوستی از من به من نزدیک تر
می توانم بعد از این، با این خدا

در میان راه در یک روستا
خانه ای دیدیم، خوب و آشنا
نکته: خانه اشاره به «مسجد» دارد.

زود پرسیدم: پدر اینجا کجاست؟
گفت: اینجا خانه خوب خداست
دانش ادبی: آرایه تکرار در واژه ی «اینجا» وجود دارد.

گفت: اینجا می شود یک لحظه ماند
گوشه ای خلوت، نمازی ساده خواند
دانش زبانی: «نمازی ساده» ترکیب وصفی است.

با وضویی دست و رویی تازه کرد
با دل خود گفت و گویی تازه کرد
دانش ادبی: آرایه مراعات نظیر در میان واژه های «دست، رو، دل»
وجود دارد.

دانش زبانی: «دست و رو»، «گفت و گو» واژه های
غیر ساده (مشقق - مرکب) هستند.



گفتمش: پس آن خدای خشمگین
 خانه اش اینجاست؟ اینجا در زمین؟
دانش ادبی: آرایه تکرار در واژه ی «اینجا» وجود دارد.
دانش زبانی: افعال «است، بود، شد، گشت، گردید» افعال
 اسنادی یا ربطی هستند.

گفت: آری خانه او بی ریاست
 فرش هایش از گلیم و بوریاست
دانش ادبی: بین واژه های «فرش، گلیم و بوریا» مراعات
 نظیر وجود دارد.

مهربان و ساده و بی کینه است
 مثل نوری در دل آینه است
دانش ادبی: بین واژه های «مهربان، ساده، بی کینه» شبکه
 معنایی وجود دارد. خداوند به نور تشبیه شده است.
 ترکیب «دل آینه» اضافه استعاری است.

در دل او، دوستی جلی نداشت
 هر چه می پریدم از خود از خدا
 زود می گفتند: «این، کار خداست
 نیست من در نماز و در دعا
 پیش از اینها، خاطر من دلگیر بود
 تا که یک شب، دست در دست پدر
 در میان راه، در یک روستا
 زود پریدم: «پدر، اینجا کجاست»
 گفت: «اینجا می شود یک خطه ماند
 با وضوی دست و روی نماز کرد
 گفتمش: «پس آن خدای خشمگین
 کت: «آری خانه او بی ریاست
 مهربان و ساده و بی کینه است
 عادت او بست خشم و دشمنی
 تازه فهمیدم: خدا من این خداست
 دوستی از من به من نزدیک تر
 می توانم بعد از این، با این خدا

عادت او نیست خشم و دشمنی
 نام او نور و نشانش روشنی
دانش ادبی: این بیت **تلمیح** دارد به سوره نور آیه ۳۵ که می
 فرماید: «خداوند نور آسمان ها و زمین است». بین واژه های
 «**خشم و دشمنی**» و بین واژه های «**نور و روشنی**» آرایه
تناسب معنایی وجود دارد. **واج آرایی** در حرف «ن» دیده می
 شود.

تازه فهمیدم ، خدایم این خداست
 این خدای مهربان و آشناست
دانش ادبی: آرایه **تکرار** در واژه ی «**خدا**» وجود دارد.

دوستی از من به من نزدیک تر
 از رگ گردن به من نزدیک تر
دانش ادبی: آرایه **تلمیح** دارد به سوره ق آیه ۱۶ که می فرماید:
 « ما از رگ گردن به شما نزدیک تر هستیم». آرایه **تکرار** در
 واژه ی «**من**» وجود دارد.

در دل او، دوستی جلی نداشت
 هر چه می پریدم از خود از خدا
 زود می گفتند: این، کار خداست
 نیست من در نماز و در دعا
 پیش از اینها، خاطر من دلگیر بود
 تا که یک شب، دست در دست پدر
 در میان راه، در یک روستا
 زود پریدم: «پدر، اینجا کجاست»
 گفت: «اینجا می شود یک خطه ماند
 با وضوی دست و روی نماز کرد
 گفتنش: پس آن خدای سنگین
 گفت: «آری خانه او بی رباست
 مهربان و ساده و بی کینه است
 عادت او نیست خشم و دشمنی
 تازه فهمیدم: خدایم این خداست
 دوستی از من به من نزدیک تر
 می توانم بعد از این، با این خدا

می توانم بعد از این، با این خدا
دوست باشم، دوست، پاک و بی ریا

دانش ادبی: در مصرع اول واژه ی «این» و در مصرع دوم
واژه ی «دوست» آرایه تکرار دارند و شبکه معنایی بین
«دوست، پاک، بی ریا» وجود دارد.

۱۰ در دل او، دوستی جلی نداشت
هر چه می پریدم از خود از خدا
زود می گفتند: «این، کار خداست
نیست من در نماز و در دعا
بیش از اینها، خاطر من دلگیر بود
تا که یک شب دست در دست پدر
۱۵ در میان راه، در یک روستا
زود پریدم: «پدر، اینجا کجاست؟»
گفت: «اینجا می شود یک خطه ماند
با وضوی دست و روی نماز کرد
گفتش: «پس آن خدای سنگین
۲۰ گفت: «آری خانه او بی ریاست
مهربان و ساده و بی گیر است
عادت او نیست خشم و دشمنی
نماز فهمیدم، خدایم این خداست
دوستی از من به من نزدیک تر
۲۵ می توانم بعد از این، با این خدا

در این حکایت نکات مورد توجه عبارتند از:

- ۱. «چرا» به معنی چریدن و مصدر است.
- ۲. «انبوه» به معنی زیاد است.
- ۳. «از آن من نیست» یعنی متعلق به من نیست و من صاحب آنها نیستم.
- ۴. منظور از «خدا» در عبارت «خداوندش را بگوی که...» یعنی صاحب گوسفندان.
- ۵. منظور از «خدا» در آخرین جمله «خدای یکتا» است.

پیام حکایت:

- ۱. خداوند عالم، ناظر بر تمام اعمال ما است.
- ۲. امانت دار باشیم.

حکایت به خدا چه بگوییم؟

روزی غلامی گوسفندان اربابش را به صحرا برد. گوسفندان در دشت سرگرم چرا بودند که مسافری از راه رسید و با دیدن انبوه گوسفندان، به سراغ آن غلام اچوان رفت و گفت: «از این همه گوسفندان، یکی را به من بده.»
 اچوان گفت: «نه، نمی توانم این کار را بکنم؛ هرگز!»
 مسافر گفت: «یکی را به من بفروش.»
 اچوان گفت: «گوسفندان از آن من نیست.»
 مرد گفت: «خداوندش را بگوی که کرگ ببرد.»
 غلام گفت: «به خدای چه بگوییم؟!»



فصل اول: زیبایی آفرینش (فارسی پایه هشتم)

چشم دل، باز کن که جان بینی آنچه نادیدنی است؛ آن بینی

هاتف اصفهانی

با چشم بصیرت و بینایی نگاه کن تا حقیقت روح و جان را دریابی و نادیدنی ها را ببینی.

درس اول: پیش از این ها

واژگان جدید

نیت:

توفنده:

خشت:

بوریا:

تاریخ ادبیات

رساله قشیریه:

قیصر امین پور:

هاتف اصفهانی:

دانش ادبی

زبان چیست؟ زبان، نظامی پیچیده برای انتقال پیام و ایجاد ارتباط است.

ادبیات چیست؟ بیان هنری زبان با کمک آرایه های ادبی را ادبیات می گویند.

ساختمان زبان از عناصری مثل واژه ها و جمله ها تشکیل می شود.

برای درک بهتر هر اثر باید به ساختار و محتوای آن توجه کرد.

انواع متن: ۱. نثر ۲. نظم

انواع شیوهی بیان: ۱. زبانی ۲. ادبی

انواع واژه های متن: ۱. ساده و قابل فهم ۲. دشوار و دیرپاب

نکته: انواع ترکیب در زبان فارسی به دو نوع اصلی تقسیم می شوند.

۱. ترکیب وصفی: موصوف + صفت

۲. ترکیب اضافی: مضاف + مضاف‌الیه

نکته: راه‌های شناخت ترکیب وصفی و اضافی عبارتند از:

۱. افزودن پسوند «تر» یا «ترین» مثل: گل زیباتر یا زیباترین گل

۲. افزودن «ی» بین موصوف و صفت مثل: گلی زیبا

۳. برداشتن کسره‌ی اضافه از بین موصوف و صفت و اضافه کردن فعل «است» بعد از صفت، مثل:

گل، زیبا است.

در صورتی که یکی از روش‌های بالا، معنی‌دار باشد؛ ترکیب، وصفی و در غیر این صورت ترکیب، اضافی خواهد بود. مثال:

۱. انار سرخ = ترکیب وصفی انار ساوه = ترکیب اضافی

۲. سرباز باغیرت = ترکیب وصفی سرباز وطن = ترکیب اضافی

یکی از انواع ترکیب اضافی، اضافه تشبیهی است. اضافه تشبیهی از ترکیب مشبه و مشبه‌به ساخته می‌شود.

مثل: خواب جهالت، درخت دانش، دریای علم و ...

جهالت مانند خواب، موجب بی‌خبری است.

دانش مانند درختی پر ثمر است.

علم مانند دریایی عمیق و پهناور است.

تشبیه، از چهار رکن درست شده است. مشبه(رکن اول)، مشبه‌به(رکن دوم)، ادات تشبیه و وجه

شبهت ارکان تشبیه هستند. مشبه و مشبه‌به ارکان اصلی و ادات تشبیه و وجه شبهت، ارکان فرعی

هستند. ارکان فرعی را می‌توان حذف کرد اما تشبیه، بدون ارکان اصلی ساخته نمی‌شود.

خبرت هست که مرغان سحر می‌گویند: آخر ای خفته سر از خواب جهالت بردار

خواب جهالت: جهالت مانند خوابی است که ما را در بی‌خبری فرو می‌برد.

۱. مشبه: جهالت

۲. مشبه‌به: خواب

۳. ادات تشبیه: مانند

۴. وجه شباهت: فرو رفتن در بی خبری

نکته: هرگاه شاعر از چهار رکن تشبیه، ارکان فرعی را حذف کند و با ارکان اصلی، ترکیبی اضافی بسازد؛ **اضافه تشبیهی** ساخته است.

نکته ۱**

استعاره چیست؟ استعاره یکی دیگر از آرایه‌های ادبی است. اساس استعاره بر تشبیه است. پیش‌تر گفته شد که هر تشبیه دو رکن اصلی (**مشبه و مشبه‌به**) دارد. هرگاه در کلام شاعرانه، یکی از دو رکن اصلی، حذف شود و تنها یکی از ارکان اصلی باقی بماند؛ دیگر تشبیه در کار نیست؛ بلکه آنچه که باقی می‌ماند؛ استعاره نامیده می‌شود.

بتی دارم که گرد گل ز سنبل سایه‌بان دارد



معشوق مانند **بتی** است که پرستش می‌شود.

معشوق = مشبه بت = مشبه‌به

شاعر در این مصرع از بین چهار رکن تشبیه، فقط **مشبه‌به (بت)** را آورده است. به این آرایه ادبی، استعاره می‌گویند و به دلیل اینکه در استعاره فقط یکی از ارکان اصلی تشبیه ذکر می‌شود و خواننده را به تلاش ذهنی بیشتری وا می‌دارد؛ از تشبیه پیچیده‌تر و زیباتر و خیال‌انگیزتر است.

نکته ۲**

اضافه استعاری چیست و چه تفاوتی با اضافه تشبیهی دارد؟ در ترکیب **اضافه تشبیهی مشبه و مشبه‌به** به صورت **مضاف و مضاف‌الیه** به هم اضافه می‌شوند؛ حال آن‌که در ترکیب **اضافه استعاری** معمولاً **مشبه** به همراه **یکی از متعلقات مشبه‌به** به هم اضافه می‌شوند و ترکیب اضافه استعاری را می‌سازند.

خواب جهالت = **جهالت** مانند **خواب** است.



اضافه تشبیهی

سر غفلت = غفلت مانند انسانی سر دارد.



اضافه استعاری

سر = از متعلقات مشبّه به

انسان = مشبّه به

غفلت = مشبه

تکالیف

۱. معنی واژگان جدید را از واژه نامه پایان کتاب بیابید و در دفتر پاکنویس خود بنویسید.
۲. درباره‌ی **هاتف اصفهانی، قیصر امین پور و رساله قشیریه** از بخش فهرست اعلام اشخاص و آثار پایان کتاب، تحقیق کنید و نکات مهم را در دفتر پاکنویس خود یادداشت کنید.
۳. متن درس را با دقت بخوانید و خودارزیابی های صفحه ۱۴ را پاسخ دهید.
۴. فعالیت های نوشتنی صفحه ۱۵ را پاسخ دهید.